

سفر خروج ایش 20

- 1 و خدا تکلم فرمود و همه این کلمات را بگفت:
- 2 « من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم.
- 3 تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.
- 4 « صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است، و از آنچه پایین در زمین است، و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز.
- 5 نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما، زیرا من که یهوه، خدای تو می‌باشم، خدای غیور هستم، که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می‌گیرم.
- 6 و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند، رحمت می‌کنم.
- 7 « نام یهوه، خدای خود را به باطل میر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی‌گناه نخواهد شمرد.
- 8 « روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی.
- 9 شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور.
- 10 اما روز هفتمین، سبت یهوه، خدای توست. در آن هیچ کار مکن، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه‌ات و مهمان تو که درون دروازه‌های تو باشد.
- 11 زیرا که در شش روز، خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت، و در روز هفتم آرام فرمود. از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده، آن را تقدیس نمود.
- 12 پدر و مادر خود را احترام نما، تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود.
- 13 « قتل مکن.
- 14 « زنا مکن.
- 15 « دزدی مکن.
- 16 « بر همسایه خود شهادت دروغ مده.
- 17 « به خانه همسایه خود طمع مورز، و به زن همسایه‌ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.»

رومیان ایش 3

- 23 زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند،
- 24 و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است.
- 25 که خدا او را از قبل معین کرد تا کفار باشد به واسطه ایمان به وسیله خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق در حین تحمل خدا،
- 26 برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر، تا او عادل شود و عادل شمارد هرکسی را که به عیسی ایمان آورد.
- 27 پس جای فخر کجا است؟ برداشته شده است! به کدام شریعت؟ آیا به شریعت اعمال؟ نی بلکه به شریعت ایمان.
- 28 زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود.

متی ایش 19

- 16 ناگاه شخصی آمده، وی را گفت، ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟
- 17 وی را گفت، از چه سبب مرا نیکو گفتی و حالآنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار.
- 18 بدو گفت، کدام احکام؟ عیسی گفت، قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده،
- 19 و پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.
- 20 جوان وی را گفت، همه اینها را از طفولیت نگاه داشته‌ام. دیگر مرا چه ناقص است؟
- 21 عیسی بدو گفت، اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ و آمده مرا متابعت نما.
- 22 چون جوان این سخن را شنید، دل تنگ شده، برفت زیرا که مال بسیار داشت.

23 عیسی به شاگردان خود گفت، هر آینه به شما می‌گویم که شخص دولتمند به ملکوت آسمان به دشواری داخل می‌شود.

24 و باز شما را می‌گویم که گذشتن شتر از سوراخ سوزن، آسانتر است از دخول شخص دولتمند در ملکوت خدا.

25 شاگردان چون شنیدند، بغایت متحیر گشته، گفتند، پس که می‌تواند نجات یابد؟

26 عیسی متوجه ایشان شده، گفت، نزد انسان این محال است لیکن نزد خدا همه چیز ممکن است.